

Explaining the Concept of Inscription in Accounting and its Effect in Performing Organizational, Business and Social Innovations

Shoeyb Rostami ¹, Gholamreza Kordestani²

Received: 2019/05/12

Accepted: 2019/08/25

Review Paper

Abstract

The aim of this paper is to explain the concept of inscription in accounting and its effect in performing organizational, business and social innovations. This article tries to provide space for reflecting on whether there is a positive role that accounting inscriptions play beyond a positivist belief in its representational powers and a constructivist approach that leads to the creation of powerful and dominating institutions, be this 'science' or 'accounting'. The method of this paper is scientific-philosophical and based on the method of historical recognition that has examined the term inscription and its relationship with accounting. In this regard, both accounting critical and intellectually studies have been used, and has been used by the Latour's actor-network theory. The consequence of accounting inscriptions is that the performative role that accounting inscriptions warrant within organizational discourses and their assembled concepts, as accounting and reporting engage with the promises that these discourses and concepts entail for stakeholders and society. Although these promises are often ambiguous, they foster hopes and beliefs for dealing and coping with the complex and uncertain world in which organizational discourses unfold. This is in line with the inscriptions feature, which is to reduce the complexities of the world and produce standardized measures that make it manageable and remove of chaos and create of stable.

Keywords: Accounting Inscription, Actor-Network Theory, Complexities of the World, Innovation, Inscription.

JEL classification: M41

DOI: 10.22051/ijar.2020.26054.1502

¹ PhD Student in Accounting, Islamic Azad University, Qazvin Branch, Qazvin, Iran.
(sh.rostami.acc@gmail.com) Corresponding Author

² Associate Professor of Accounting, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.
(kordestani@soc.ikiu.ac.ir)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>



تبیین مفهوم نقش‌گذاری در حسابداری و تأثیر آن در اجرای نوآوری‌های سازمانی، تجاری و اجتماعی

شعب‌رستمی^۱، غلامرضا کردستانی^۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۲۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۰۳

مقاله ترویجی

چکیده

نقش‌گذاری حسابداری می‌تواند در اجرای نوآوری‌های سازمانی، تجاری و اجتماعی مؤثر باشد. نقش‌گذاری‌های حسابداری، فرای اعتقادات اثبات‌گرا در توان‌های نمایشی و رویکرد سازنده‌گرای آن، در خلق نهادهای قوی و حاکم در حسابداری، نقش مثبتی ایفا می‌کنند. بنابراین، با توجه به اهمیت نقش‌گذاری‌های حسابداری، این مقاله سعی در تبیین آن از منظر دانش و از منظر حسابداری، دارد. بر مبنای تحلیل علمی و فلسفی و بر پایه روش شناخت تاریخی، به بررسی اصطلاح نقش‌گذاری و ارتباط آن با حسابداری پرداخته شده است. در این راستا، هم مطالعات انتقادی و هم مطالعات عقلایی حسابداری مورد استفاده قرار گرفته و از نظریه کنشگر- شبکه لاتور (۱۹۸۷) نیز بهره‌گرفته شده است. پیامد نقش‌گذاری‌های حسابداری آن است که نقشی عملکردی را در گفتمان‌های سازمانی و مفاهیم گردآوری‌شده آنها ایفا می‌کند، زیرا حسابداری و گزارشگری با وعده‌هایی سروکار دارد که تحت آن این گفتمان‌ها و مفاهیم را برای ذینفعان و جامعه به همراه دارد. اگرچه این وعده‌ها اغلب مبهم هستند، اما امیدها و باورهایی را برای مقابله با محیط پیچیده و غیرقطعی که در آن این گفتمان‌های سازمانی مطرح می‌شود، ایجاد می‌کند. این موضوع، در راستای ویژگی نقش‌گذاری‌های حسابداری است که منجر به کاهش پیچیدگی‌های محیط، ایجاد معیارهای استاندارد قابل مدیریت، از میان رفتن آشوب و ایجاد نظم و ثبات در محیط است.

واژه‌های کلیدی: نقش‌گذاری، نقش‌گذاری حسابداری، نظریه کنشگر- شبکه، نوآوری، پیچیدگی‌های

محیط.

طبقه‌بندی موضوعی: M41

DOI: 10.22051/ijar.2020.26054.1502

^۱ دانشجوی دکتری حسابداری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)

(sh.rostami.acc@gmail.com)

^۲ دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران (kordestani@soc.ikiu.ac.ir)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>

مقدمه

نقش گذاری^۲ (نشانه گذاری)، اصطلاحی است که به تمام انواع تغییر و تحولاتی که از طریق آن یک نهاد (واحد تجاری) می‌تواند به یک علامت، آرشیو، سند، یک تکه کاغذ، یک اثر (نشان) و یا ردپایی از موضوعی تبدیل شود، اطلاق می‌گردد (لاتور، ۱۹۹۹). این دیدگاه، بیشتر برگرفته از درک نمادشناسی در خصوص دلالت اشیاء برحسب زنجیره‌های ارجاعی^۳ است (اکو، ۱۹۷۳؛ فابری، ۱۹۹۸؛ گینزبورگ، ۱۹۷۹). به دلیل نقش برجسته‌ای که فرایند منابع علمی در شکل‌گیری مطالعه کُنشگر - شبکه^۴ (لاتور، ۱۹۸۷) ایفا می‌کنند (کو و هاسارد، ۱۹۹۹)، نقش ابزارهای نقش‌گذاری و تسلسل از متون آزمایشگاهی تا علمی مورد تأکید قرار گرفته است (لاتور و فابری، ۱۹۷۷؛ لاتور و وولگار، ۱۹۷۹). بنابراین، از دیدگاه لاتور و براساس سنت فکری که نظریه کُنشگر - شبکه از آن نشأت می‌گیرد، نقش‌گذاری، عملیاتی نمادشناسی (نشانه‌شناسی) و مادی است. از نقش‌گذاری با عنوان عملیات یاد می‌شود، به این دلیل آنکه به تمرین‌های مهارتی نیاز دارد. از آن با عنوان مادی یاد می‌شود، زیرا حاوی نشانه‌هایی از جهان است و از آن با عنوان نمادشناسی یاد می‌شود، زیرا با ایجاد روابطی که جلوه تصویری پیدا می‌کند، معناآفرینی می‌کند و از جهانی «در غیابش» سخن می‌گوید (لاتور، ۱۹۸۷). بنابراین، نقش‌گذاری را می‌توان به صورت جلوه مادی از دلالت (معانی و مفاهیم) توصیف کرد (کو و کوپر، ۲۰۱۱).

از زمان انتشار مقاله رابسون (۱۹۹۱)، ادبیات نقش‌گذاری‌های حسابداری توسعه یافته است. این محقق در سال ۱۹۹۲، ارقام حسابداری را ابزاری برای نقش‌گذار بودن در نظر گرفت. در چند مقاله دیگر نیز تأثیر این مفهوم بر ادبیات حسابداری، ارزیابی شده است (جاستنسن و موریتسن، ۲۰۱۱؛ دامبرین و رابسون، ۲۰۱۱؛ رابسون و بوتائوسکی، ۲۰۱۸). همچنین، از برخی مقالات مهم مانند مطالعات انجام گرفته توسط چوا (۱۹۹۵)، رابسون (۱۹۹۱، ۱۹۹۲) و پرستون و همکاران (۱۹۹۲) به صورت گسترده با این عنوان یاد می‌شود که موفق شدند این مفهوم و مفهوم‌های مرتبط از نظریه کُنشگر - شبکه را وارد حسابداری نمایند. بنی‌طالی و همکاران (۱۳۹۴) نیز به تبیین نظریه کُنشگر - شبکه در حسابداری از منظر دانش پرداختند و موارد مهمی را در این خصوص ارائه نمودند. بطور کلی، بررسی مباحث نوین در تمامی رشته‌ها، مرزهای جدید دانش را گسترش می‌دهد و یکی از موارد ضروری و با اهمیت در جهت پیشرفت در آن رشته محسوب می‌شود. درک اصطلاح نقش‌گذاری و اتصال آن به حسابداری نیز می‌تواند یکی از

این موارد در حرفه حسابداری باشد. پرسش اصلی که قرار است به آن پاسخ داده شود این است که نقش‌گذاری در حسابداری چه کاربردی دارد؟ و درک نقش‌گذاری حسابداری چه اهمیتی دارد؟ در ادامه نحوه ارتباط این اصطلاح با حرفه حسابداری و تأثیر آن در اجرای نوآوری‌ها، مورد بحث قرار خواهد گرفت.

نظریه کنشگر - شبکه

یکی از نظریه‌هایی که می‌توان بر مبنای آن به درک بهتری از نقش‌گذاری رسید، نظریه کنشگر - شبکه است. این نظریه که برخی آن را نظریه پذیرش، عضوگیری و یا جامعه‌شناسی ترجمه و تحویل نامیده‌اند، خاستگاهی کاملاً اروپایی دارد و بر پایه آثار برونو لاتور و میشل کالون، پژوهشگران مطالعات علم و تکنولوژی فرانسه و جان لاو، مردم‌شناس بریتانیایی در اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی، بسط و گسترش یافته است.

پژوهشگران این نظریه، فرایند شکل‌گیری شبکه کنشگران موسوم به "تفسیر" را شامل چهار مرحله ۱- مسئله‌یابی، ۲- عضو‌یابی، ۳- عضو‌پذیری و ۴- تجهیز و بسیج اعضا، می‌دانند. علاوه بر تفسیر، فرآیند نقش‌گذاری (اثر‌گذاری) به نقش بستن عقاید در مورد فناوری‌های مربوط منجر می‌شود. این فناوری‌ها در زمینه خاصی نشر می‌یابند؛ در این زمینه خاص، ارتباط برقرار نموده و به حصول ثبات اجتماعی و فنی کمک می‌کنند. لاتور در تعریفی، نقش‌گذاری را به صورت فرآیند ایجاد مصنوعات فنی توصیف کرده است که علائق انسانی در آن نهفته است. از نظر لاتور، نقش‌ها در مباحث نظری و دانشی شامل نوشته‌ها نظیر مقالات مندرج در مجلات، مقالات ترویجی سمینارها، پیش‌طرح‌ها و اختراعات، تصاویر، پایگاه داده‌ها و ... است (بنی‌طالبی و همکاران، ۱۳۹۴ به نقل از لاتور). در همین ارتباط، نظریه مورد اشاره برای مدتی در حسابداری ارائه شد و توانست فهرست کامل‌تری از ویژگی‌های تئوری را به ادبیات حسابداری معرفی نماید. همچنین، تعدادی از روش‌های تحلیلی و مشاهدات تجربی حسابداری برای نشان دادن این نظریه مورد استفاده قرار گرفته است (حجازی و همکاران، ۱۳۹۶).

نقش‌گذاری حسابداری

در این پژوهش به بررسی این موضوع پرداخته شده است که چگونه نقش‌گذاری در حسابداری کاربرد پیدا می‌کند؟ حسابداری را اگر یک فعالیت مدنظر قرار دهیم، مملو از نقش-گذاری‌ها و ابزارهای نقش‌گذاری است. حسابداری به صورت ذاتی فعالیتی نقش‌گذار و مکتوب است. کتاب‌های حسابداری (کوآترون، ۲۰۰۹)، شاخص‌ها (گندرون و همکاران، ۲۰۰۷)، جداول، صورت‌ها و نمودارها (باسکو و کوآترون، ۲۰۱۵؛ تامپسون، ۱۹۹۸)، فرمول‌ها و مدل‌ها (میلر، ۱۹۹۱؛ میلو و مک‌کنزی، ۲۰۰۹)، ماتریس‌های ریسک (جردن و همکاران، ۲۰۱۳) و گزارش‌ها (باسکو و همکاران، ۲۰۱۷؛ موریتسن، ۱۹۹۹)، حاوی و تولیدکننده نقش‌گذاری‌هایی هستند که از لحاظ مادی قابل ردیابی هستند و زمانی که در فضاهای سازمان‌یافته‌ای که مسئول آن هستند، قرار می‌گیرند، معنا و مفهوم دارند. اگر حسابداری را ابزاری نقش‌گذار قلمداد کنیم، این مسئله به ما کمک می‌کند تا از لحاظ نظری محدودیت‌های آن را به عنوان ابزاری نمایشی درک کنیم و حسابداری را «وسیله‌ای برای یافتن پاسخ‌ها» تلقی نکنیم (بورچل و همکاران، ۱۹۸۰). به عقیده مارچ (۱۹۸۷) این موضوع همگان را برآن می‌دارد تا مشروعیت ابزارهای نقش‌گذاری را در تمام رشته‌ها و فراتر از توان نمایشی آن، مدنظر قرار دهند (باسکو و کوآترون، ۲۰۱۸). همچنین، شکاف‌های معرفت‌شناسی را که از طریق آن، جنبه‌های «غیر اقتصادی» (مانند اجتماعی، سیاسی، روانشناختی)، «غیر علمی» (مانند روایی) و «غیر اثبات‌گرا» (مانند سازنده‌گرا)^۵ در رویه‌ها و نظریات حسابداری نفوذ کرده‌اند، را نشان می‌دهد. اکنون این سوال مطرح است که این تغییر (انتقال) در حسابداری و معرفی آن به‌عنوان جلوه‌ها و نمایش‌ها (بازنمایی)، برای رویکرد انتقادی و بین‌رشته‌ای در مطالعات حسابداری، چه معنا و مفهومی دارد؟ علاوه بر تلاش برای ارائه پاسخ این پرسش، اینکه آیا نقش‌گذاری‌های حسابداری، فرای اعتقادات اثبات‌گرا در توان‌های نمایشی و رویکرد سازنده‌گرای خود، برای خلق نهادهایی قوی و حاکم چه از منظر دانش و چه از منظر حسابداری نقش مثبتی ایفا می‌کند یا خیر، موضوع مهمی است که این مقاله سعی در تبیین آن دارد. در این راستا، تحقیقات انجام شده پیرامون نقش‌گذاری حسابداری مورد بررسی قرار گرفته است.

کوپر و همکاران (۲۰۱۶) با درنظرگرفتن حسابداری به عنوان مجموعه‌ای از نقش‌گذاری که هم در صدر^۶ (دارای سلطه) و هم در حاشیه^۷ است و درنظرگرفتن آن به‌عنوان حرفه‌ای

توانمندساز و درگیرکننده^۸ بر نقش حسابداری در حل مسائل جامعه تأکید کردند. آنها در بررسی تأثیر اجتماعی اوراق قرضه‌ها بر کاهش تعداد افراد بی‌خانمان در جامعه، نقش دولت را در برخورد با فشارهای مسائل اجتماعی، جایگزین نمودند و در این رابطه بر اندیشه‌های "فوکو" در خصوص زیست سیاست^۹ تکیه کرده تا وجود نیروهای زیربنایی که منجر به خلق نئولیبرال^{۱۰} (عدم مداخله دولت در اقتصاد) می‌شود را یادآوری کنند. در تحقیق کوپر و همکاران (۲۰۱۶)، یک راهکار حساب شده بازار محور طراحی شد تا مشکل حل نشدنی (مراقبت از بی‌خانمان‌ها) را حل و فصل کند.

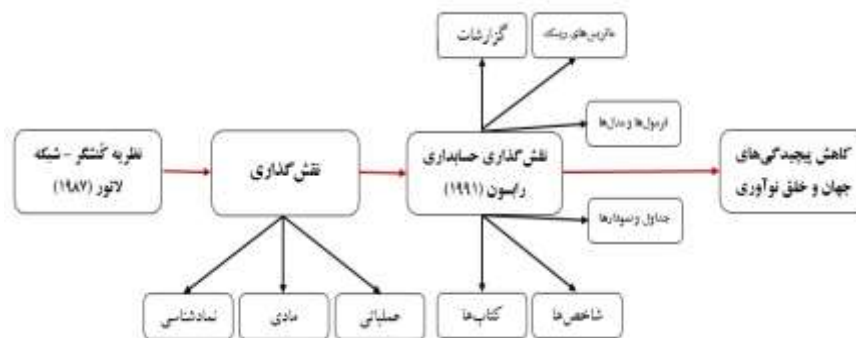
به‌طور کلی مهم‌ترین تحقیقات انجام شده پیرامون نقش‌گذاری حسابداری و سیر تکاملی مباحث آن در نگاره (۱) ارائه گردیده است.

نگاره (۱): پیشینه تحقیقات پیرامون نقش‌گذاری حسابداری

سال پژوهش	نام پژوهشگران	موضوع مورد بررسی
۱۹۹۲	رابسون	در نظر گرفتن ارقام حسابداری به‌عنوان یک ابزار نقش‌گذار و بررسی شکاف‌های موجود و توسعه حسابداری
۱۹۹۵	چوا	بررسی تأثیر وجود متخصصان، شبکه‌ها و نقش‌گذاری‌ها (نشانه‌ها) در ساخت تصاویر حسابداری
۲۰۰۳	اندون و همکاران	ارتباط نقش‌گذاری‌های حسابداری مدیریت و تجربه فراصنعتی کنترل سازمانی
۲۰۱۱	کو و کوپر	نقش ابزارهای نقش‌گذاری (نشانه‌ها) در ایجاد رویکرد ارزیابی متوازن
۲۰۱۵	باسکو و کواترون	بررسی نحوه نمایش کارت ارزیابی متوازن با توجه به توان بصری نقش‌گذاری‌های (نشانه‌های) حسابداری
۲۰۱۵b	باسکو و کواترون	بررسی ایجاد ارزش و پایداری نوآوری‌ها با توجه به نقش‌گذاری‌ها و مباحث حسابداری مرتبط با آن
۲۰۱۸	کورولک و همکاران	بررسی مکان‌شناسی نقش‌گذاری‌های (نشانه‌های) حسابداری
۲۰۱۸	رابسون و بوتواسکی	بازتابی از تحقیقات لاتور در حسابداری و جامعه‌شناسی نقش‌گذاری‌های حسابداری

این موضوع که چگونه می‌توان رویه‌های حسابداری را از نومنندسی (بازطراحی) کرد تا در اجرای نوآوری‌های مدیریتی، اشکال مختلف توانمندسازی، توسعه راهکارهای مدیریت عملکرد و میانجی‌گری منافع متعدد اقتصادی، اجتماعی و سازمانی، نقشی فعال ایفا کنند، به سبک مطالعات حسابداری که حاکی از تأثیرات رهایی‌بخش^{۱۱} و توان‌بخش رویه‌های حسابداری است، بستگی دارد (اهرنز و چپمن، ۲۰۰۴؛ گالهورفر و هاسلام، ۲۰۱۹).

با توجه به تحقیقات بررسی شده می‌توان اصطلاح نقش‌گذاری و ارتباط آن در حرفه را مانند یک الگوی پارادایمی و بصورت زیر ترسیم نمود.



شکل (۱): روند ارتباط اصطلاح نقش‌گذاری با حرفه حسابداری

همانند مطرح شده، الگوی فوق نشان‌دهنده روند نقش‌گذاری است که از نظریه کُنشگر - شبکه لاتور آغاز شده است و موارد اولیه مرتبط با آن، بواسطه مقاله رابسون (۱۹۹۱) در حرفه حسابداری ورود پیدا نمود و مهمترین پیامدهای آن کاهش پیچیدگی‌های محیط و خلق نوآوری است. بنابراین، در این پژوهش سعی گردید این روند به مانند یک الگو ترسیم گردد. در بخش بعدی، چالش‌ها و پیامدهای نظری پیرامون نقش‌گذاری‌های حسابداری بررسی شده است.

چالش‌ها و پیامدهای نظری در خصوص نقش‌گذاری‌های حسابداری

اگر حسابداری را عملیاتی مادی و نمادشناسی در نظر بگیریم که جهان را در معرض سیستمی از مرجع‌ها (منابع) قرار می‌دهد و به صورت ذاتی و ناگزیر، فاقد مرجعی ثابت است، پیامدهای این مسئله چه خواهد بود؟

اولین پیامد که در پیشینه ادبیات کاملاً مشخص و تثبیت شده است، آن است که اجتناب از رویکرد نمایشی محض در حسابداری که از برخی از مقررات حسابداری الهام گرفته شده است، ایدئولوژی‌های نئولیبرال و شبه علمی به وجود می‌آورد (کوپر و همکاران، ۲۰۱۶). نقش‌گذاری‌های حسابداری، جلوه‌ای از واقعیت دور از دسترس نیست، بلکه احیای مرجع آنها است. این دیدگاه از بُعد عملکردی نقش‌گذاری‌های حسابداری که در راستای دیدگاه "لاتور" به مطالعات حسابداری است، به این معنا نیست که نقش‌گذاری‌های حسابداری به صورت غیرمنتظره، عواملی را ایجاد می‌کنند، بلکه حاکی از این حقیقت است که ارجاع به چیزی همواره فرایندی دشوار، فعال و از همه مهمتر فرایندی مولد است. برای نمونه «موجودی‌ها» در حسابداری هرگز صرفاً نمایش وضعیت امور تجاری نیست، بلکه همواره حاکی از یک «آفرینش (خلق)» است (همان‌طور که ریشه واژه «موجودی» «inventory» از واژه لاتین «invention» نشأت می‌گیرد (کواترون، ۲۰۰۹).

پیامد مهم دوم نقش‌های نهادینه حسابداری، این مسئله است که بکارگیری آنها موجب می‌شود تا به متونی مانند دستورالعمل‌ها و آموزه‌ها توجه شود که حاوی ابزار حسابداری هستند. بنابراین، تحلیل نمادشناسی آن مفهوم، منافعی را که در آنها «نهادینه»^۲ شده و روابط مستحکمی را که آنها منتقل می‌کنند، کشف می‌کند. نقش‌گذاری‌های حسابداری می‌توانند عملکردی همچون قانون داشته باشند و در نتیجه ابزاری برای کنترل رفتارها تلقی شوند. بنابراین، می‌توان با الهام از نظریه گُنشگر-شبکه، استدلال کرد که «نهادینه‌سازی» نقش‌گذاری‌های حسابداری، فرایند آسانی نیست. از طرفی همانند موضوعات فنی مطرح شده (اکریچ و لاتور، ۱۹۹۲)، نقش (برای مثال متون و ابزار ثبت شده مکتوب) موجود در نقش‌گذاری حسابداری، پیچیده و مبهم است. حسابداری بر اساس این تعریف که روندها را مشخص می‌کند، اما به طور کامل موفق به تعریف محتوا^۳ (ذات) نمی‌شود (کواترون، ۲۰۱۵)، را می‌توان تجربه‌ای آیینی^۴ (تقریباً مذهبی) قلمداد نمود. یک حسابدار که رویه‌های حسابداری را بکار می‌گیرد، همزمان می‌تواند هم «پایین‌تر و هم بالاتر از نقش» باشد (لاتور، ۲۰۱۳). او «پایین‌تر از» قانون است، زیرا باید از قوانین حسابداری تبعیت کند، اما از طرفی از نقش نیز «بالاتر» است، زیرا در زمان انجام دادن فعالیت‌هایی همچون وارد کردن ورودی‌ها، اهداف، دلایل، مفاهیم و ارزش‌های حسابداری،

همواره در حال بازآفرینی است. بنابراین، موجودی و آفرینش، بایکدیگر همزیستی دارند (باسکو و کواترون، ۲۰۱۷).

اساس این دوگانگی و نگرانی‌های نظری که در مقاله حاضر بیان می‌گردد، نقص ذاتی نقش‌گذاری‌ها و ابزار ثبت شده و مکتوب حسابداری و تأثیر آن بر نظریه‌پردازی نقش‌گذاری‌های حسابداری، توان و محدودیت‌های آن است (جردن و مسنر، ۲۰۱۲؛ کواترون و هاپر، ۲۰۰۵).

نقش‌گذاری‌های حسابداری حاصل فقدان‌هایی هستند که ایجاد می‌شوند یا فقدان‌های که تلاش می‌کنند «بازآفرینی و بازنمایی» کنند (به‌عبارت‌دیگر، آفرینش جدیدی ایجاد کنند) و از این طریق حفظ هم می‌شوند. آنها حاصل این فقدان‌ها هستند، زیرا بدون این نارسایی‌ها (شکاف‌ها) (لاتور، ۲۰۱۳) یا بدون امکان بازآفرینی و بازنمایی کامل، نیازی به بازآفرینی مجدد نخواهد بود. اخلاق (رفتار) مدرن حسابداری (یعنی گردآوری شواهد در مورد مشاهدات و دستیابی به کارایی کامل نقش‌گذاری) به‌ناچار منجر به ناکامی و گاهی اوقات حتی یأس و بی‌نظمی می‌شود (چوا، ۱۹۹۵؛ مسنر، ۲۰۰۹). این نارسایی‌ها، نقش‌گذاری‌های حسابداری را زنده نگاه می‌دارند، زیرا آنها شور و اشتیاق بیشتر و حساب‌های ژرف‌تری را در راستای پیشرفت و همچنین ایجاد ظرفیت‌های نوآورانه خلق می‌کنند (نورستینا، ۲۰۰۱). با بررسی ویژگی‌های نقش‌گذاری می‌توان شاهد فرایندهایی بود که از طریق آن، نقص‌ها، مرجع‌های (منابع) جزئی، حساب‌های ناقص، مشاهدات معیوب و نشانه‌های بی‌حاصل، همگی با هم، نه تنها موجودی‌های ناقص و معیوب (بازنمایی‌ها)، بلکه ترکیب‌های مجدد، بازآفرینی‌ها و جایگزین‌ها (باسکو و کواترون، ۲۰۱۵؛ ۲۰۱۷) را ایجاد می‌کنند.

بازنمایی مجدد «عملکرد تجاری» به صورت اخص مناسب آزمودن این دیدگاه‌ها است. همان‌طور که پیشینه ادبیات حسابداری و راهبردهای مورد تأکید قرار گرفته است (چپمن، ۲۰۰۵؛ چوا، ۲۰۰۷؛ موریتسن و دیچو، ۲۰۰۱)، چندگانگی دیدگاه‌ها در به‌کارگیری ابزارهای راهبردی جدید را نیز به‌آسانی نمی‌توان به مقیاس‌های «زبان رایج حسابداری تبدیل کرد» (یورگنسن و مسنر، ۲۰۱۰؛ موریتسن، ۱۹۹۹؛ وایویو، ۱۹۹۹). همچنین، می‌توان استدلال نمود که زمانی که عدم قطعیت‌ها افزایش می‌یابد، «پیش‌برنامه‌ریزی انجام شده، درنهایت برای عملکرد مضر می‌شود» و زمانی که چنین اتفاقی روی می‌دهد، «سازمان‌ها باید به صورت مستمر مشغول

تصمیم‌گیری در مورد اقدامات مناسب باشند» (چپمن، ۱۹۹۸). سازگاری و تغییرات مستمر شیوه‌ها و صورت‌های نظارتی عملکرد، باید به نحوی باشند که سیستم‌های رسمی ارزیابی، فضای کافی را برای انواع کنترل‌های فرهنگی (اوچی، ۱۹۷۹) یا تعاملی (سیمونز، ۱۹۹۴) فراهم آورند. این نقص بازنمایی‌های حسابداری، امکان مذاکراتی را پیرامون مجموعه شاخص‌های عملکرد در ارتباط با تعریف و پیاده‌سازی راهبرد ایجاد می‌کند. ماهیت حسابداری به‌ناچار چیزی میان توان بازنمایی آنها و امکان‌ناپذیری آنها است. به دلیل همین ماهیت حسابداری است که نقش‌ها و احتمالات گسترش می‌یابند (رابرتز، ۱۹۹۱).

بر اساس ادبیات انتقادی، این مفهوم آشنا است که حسابداری هم می‌تواند نظم‌دهنده و هم توانمندساز باشد؛ در واقع می‌تواند برای رفتاری حساب‌شده، چارچوب‌هایی را ایجاد کند. همچنین، می‌تواند اصلاحات، منازعات و مخالفت‌های حساب‌شده‌ای را نیز بوجود آورد (بورچل و همکاران، ۱۹۸۰؛ رابسون، ۱۹۹۱؛ اهرنز و چپمن، ۲۰۰۴). از طرفی، این ویژگی دوگانه حسابداری تا حد زیادی در جنبه مادی آن یعنی ابزارها، اسناد و نشانه‌ها، در حقیقت «ابزار ثبت شده و مکتوب» نهفته است و به حسابداری موجودیت می‌بخشد (چوا، ۱۹۹۵؛ دامبرین و رابسون، ۲۰۱۱؛ کو و کوپر، ۲۰۱۱). این بازنمایی‌های مادی می‌توانند تنها به صورت جزئی، گفتمان‌ها (بحث‌ها) و محیط‌های سازمانی را بازنمایی کنند. از آنجایی که آنها به صورت ذاتی ناقص هستند، بنابراین نمی‌توانند به‌طور کامل در تصمیم‌گیری عاقلانه کمک نمایند یا تضمین کنند که پیامدهای مناسب و مشخصی در آینده در پی خواهند داشت (جردن و مسنر، ۲۰۱۲؛ یورگسن و مسنر، ۲۰۱۰؛ ووترز و ویلدروم، ۲۰۰۸).

جریان اخیر ادبیات حسابداری نیز نشان می‌دهد که چگونه چنین «نقصی» وجود دارد. بنابراین، علاقه روزافزونی ایجاد شد تا در مورد توان تصویری حسابداری، تحقیقات و جستجوهای انجام گیرد (باسکو و کواترون، ۲۰۱۵؛ جردن و مسنر، ۲۰۱۲؛ موریتسن و کیرنر، ۲۰۱۶؛ کواترون، ۲۰۱۷). ادبیات حسابداری همچنین بر چگونگی نادرست و غیرکامل بودن این اطلاعات و فناوری‌ها تأکید نموده است. به‌طور مثال، هال (۲۰۱۰) استدلال کرد که اگرچه تولید اطلاعات حسابداری ممکن است به مدیران در کسب دانش در مورد محیط‌های کاری کمک کند، اما تنها شامل زیرمجموعه‌ای از اطلاعات است که کار مدیریتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. کواترون و هاپر (۲۰۰۵) و ووترز و ویلدروم (۲۰۰۸) تأکید کردند که این اطلاعات و کنترل‌ها ناقص

هستند و چطور ممکن است این عدم صحت، از سوی مدیران به عنوان مشکل تلقی نشود (جردن و مسنر، ۲۰۱۲). بنابراین، حسابداری تنها زمانی موجبات نگرانی را فراهم می‌آورد که توان عملیاتی را محدود کند، در غیر این صورت تأثیرات سازنده و مثبتی را ایجاد می‌کند (اهرنز و چپمن، ۲۰۰۴). در این رابطه، باسکو و کواترون (۲۰۱۵) نشان دادند که چگونه ابهام شاخص‌های عملکرد کارت امتیازی متوازن موجب می‌شود تا با تضمین نوآوری راهبردی و مشارکت، از آن در داخل سازمان‌ها استفاده شود و این مسئله مرهون فضای موجود برای پرسش و پاسخ و مذاکره است که خود در اثر نبود توانایی‌های بازنمایی سیستم ارزیابی عملکرد فراهم آمده است. در اصل، ادبیات این امکان را فراهم می‌آورد تا حسابداری به ابزاری برای تغییر به دنیایی حساب شده و به چیزی فراتر از بازنمایی صرف و ساختار دوگانه مستقیم آن تبدیل شود.

تأثیر پژوهش‌های جاری بر پژوهش‌های آتی در خصوص نقش‌گذاری‌های حسابداری

اولین نکته‌ای که نظر محققان را جلب می‌کند، نیاز برای بررسی فضای میان حسابداری به عنوان ابزاری برای بازنمایی و حسابداری به عنوان سازه‌ای برای واقعیت‌ها است تا شاید این دوگانگی ساده از میان برود. این موضوع، ادبیات حسابداری بین‌رشته‌ای و متداول را در فضایی قرار داده است که به طرز متناقضی، هر دو نتایجی مشابهی را ایجاد می‌کنند. آیا دنیای واقعی این آمادگی را دارد تا حسابداری را بازنمایی کند یا خیر، البته با حسابداری مناسب و از پیش آماده‌شده برای ساخت واقعیت. در این خصوص مارچ (۱۹۸۷) بیان می‌کند، ابهام در این موضوع آن است که نقش‌گذاری به حسابداری امکان ظهور و گسترش می‌دهد. بنابراین، در اینجا نکته دوم مدنظر قرار می‌گیرد که ماهیت اصلی نقش‌گذاری (حسابداری) چیست و چه انجام می‌دهد. اگر مفهوم نقش‌گذاری به مفهوم ارجاعات (منابع) در گردش (لاتور، ۱۹۹۱) ربط داده شود، مشخص است که باید ابهام را به فرایند کاهش پیچیدگی‌ها و استانداردسازی که لاتور به آن اشاره می‌کند، بازگرداند که این مسئله موجب می‌شود تا ارقام حسابداری قابل مقایسه، یکنواخت و جمع‌زدنی شوند. زمانی که نقش‌گذاری و ارجاعات در گردش، پیچیدگی‌های محیط را کاهش می‌دهند و معیارهای استاندارد شده را که قابل مدیریت و ثابت هستند بوجود می‌آورند، این امر منجر به از میان رفتن آشوب و ایجاد نظم و ثبات می‌گردد (لاتور، ۱۹۹۷).

زمانی که محدودیت‌ها و خطراتی وجود دارد و یا انتظار می‌رود در پیش باشد، نظریه‌پردازی جدید مفهوم نقش‌گذاری باید از نو آغاز شود، اما این نوع از حسابداری و تجسم کنترل برای مدیریت برنامه‌های عمده (کوآترون، ۲۰۱۷)، نه تنها مانند یک سفر خطرناک طولانی است، بلکه مملو از وقفه‌ها، ناسازگاری‌ها، امکان‌ناپذیری‌ها و عدم قیاس‌ها است. این درس سومی است که می‌توان از مقاله‌های این بخش گرفت. در واقع، با ایجاد فضایی میان نگرش‌های متضاد که حاصل تمام اقدامات نقش‌گذاری هستند، فضایی برای گمانه‌زنی و میانجی‌گری ایجاد می‌شود و رسماً و ذاتاً امکان ایجاد تفسیرهای چندگانه را فراهم می‌آورد.

اکنون در این بخش، نکته چهارم مدنظر قرار می‌گیرد تا در مورد مفهوم ابزار نقش‌گذاری و نحوه گردش این ارجاعات بازنگری شود. ناسازگاری‌ها، کمبودها و فضاهای ناقص که این رویه‌های گزارشگری ایجاد و احتمالاً از عمد مهیا می‌کنند، به‌جای اینکه دیدگاه‌ها را استاندارد کنند، در حقیقت با دادن نقشی فعال به استفاده‌کنندگان، آنها را جذب می‌کنند. استفاده‌کنندگان، دیگر تماشاگر نیستند، بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایند هستند. به‌ویژه اینکه، این فرایند براساس کاهش پیچیدگی‌ها و استانداردسازی که اشاره گردید نیست، بلکه براساس کاهش پیچیدگی‌ها و توسعه است که در آن نقش‌گذاری، یک ردیابی قابل مشاهده و بهانه‌ای برای بررسی و جستجوی ردهای غیرقابل مشاهده و غیرقابل ارائه است (باسکو و کوآترون، ۲۰۱۷). این مفهوم به جای حسابداری، وسیله‌ای برای دادن پاسخ است (بورچل و همکاران، ۱۹۸۰)، و کار حسابداری و گزارشگری به ابزاری برای تجزیه و تحلیل ذهن (افکار) شباهت دارد (باسکو و کوآترون، ۲۰۱۷؛ کوآترون، ۲۰۱۵؛ رولینو و موریتسن، ۲۰۱۵) که جامعه را وادار می‌کند تا پرسش‌هایی را مطرح کنند که هیچ چشم‌انداز (وعده) مشخصی برای توافق بر سر آنها وجود ندارد.

برخی از مسائل مطرح‌شده در مقالات بخش حاضر وجود دارد که تمام جوانبی را که در بخش‌های قبلی شرح داده شد، بررسی می‌کند.

مقاله کوپر و همکاران (۲۰۱۶) که پیش‌تر بیان گردید، کمک می‌کند تا بررسی شود که چگونه حسابداری همواره بر روی طنابی باریک حرکت و عمل می‌کند و گاهی نقش‌گذاری-های مشابه می‌توانند هدف خوبی را دنبال کنند، اما نتایج بدی را به ارمان بیاورند و یا هدف بدی را دنبال کنند و نوآوری خوبی را ایجاد کنند. بنابراین، مقاله کوپر و همکاران (۲۰۱۶)،

مرزهای یک فضای آستانه‌ای بین حسابداری و سازوکار قدرت و صدرنشینی (سلطه‌گری) است. همچنین، حسابداری بخشی از گفتمان احتمالی آزادی بخش را مشخص می‌کند. در این فضای آستانه‌ای است که میان انتخاب‌های عقلایی^{۱۵} (که در صدر و در حاشیه هستند) و انتخاب‌های قابل قبول (که به صورت بالقوه آزادی بخش هستند) توازن پرمخاطره ایجاد می‌گردد؛ توازن که باید از میان برود و برطرف شود. این مقاله مثال روشنی است که بیان کننده از بین رفتن توازن است (کوپر و همکاران، ۲۰۱۶).

توان سازنده نقش گذاری‌های حسابداری به‌عنوان ابزارهای حساب شده، بیشتر در تحقیق کورولک و همکاران (۲۰۱۶) بررسی شده است. این محققان به مطالعه سیستم پرداخت به ازای میزان گردآوری پسماندهای تولیدی که هدف آن افزایش پایایی مدیریت زباله در شهر گوتبرگ سوئد بود، پرداختند. این مقاله به یکی از نقش‌های اصلی که مفهوم نقش گذاری در ساختار تئوری نظریه گنشگر - شبکه، یعنی "فاصله (شکاف)" (مکان و زمان) است، می‌پردازد. مقاله مورد اشاره با بکارگیری نظریات مکان‌شناسی فاصله، نشان می‌دهد که نقش گذاری‌ها و استفاده از ابزار ثبت شده به شکل صورتحساب‌ها، به ایجاد فاصله میان پسماندها و ساکنین، اقتصاد، محیط‌زیست و شهر کمک می‌نماید. نتیجه مقاله کورولک و همکاران این مسئله است که آیا نقش گذاری‌های حسابداری باید متکی به مفهوم مکان و زمان باشند تا بتوانند روابط زمانی و مکانی را میان عاملان اجتماعی ایجاد کنند و به‌عنوان طبقه‌ای نظری فعالیت داشته باشند تا بتوانند روابط قدرت را در گنشگر - شبکه توضیح دهند؟ به نظر می‌رسد که پاسخ این پرسش براساس مباحث این مقاله به احتمال زیاد «مثبت» است؛ در نتیجه باید در مورد نحوه کار نقش گذاری‌ها و ابزار ثبت شده و اینکه چگونه براساس نکات «منفی» (نبودن‌ها، سکوت‌ها، نقص‌ها و غیره) شکل گرفته‌اند و چگونه فاصله‌ها همواره «در وضعیت پایداری» هستند، نظریه پردازی شود (کورولک و همکاران، ۲۰۱۸).

همچنین، باید به مباحث مرتبط با ریسک نیز پرداخت که برای موضوع مفاهیم نقش گذاری بسیار حائز اهمیت است، زیرا ریسک به‌ناچار مرتبط با مسائلی است که نسبت به آنها آگاهی وجود ندارد و با فقدان در ارتباط است که نقش گذاری‌ها تلاش می‌کنند در نبود مرجعی ثابت ایجاد کنند. این همان مسئله‌ای است که تمسن و سکاربک (۲۰۱۸) در مقاله خود پیرامون ریسک‌های خالص و ناخالص با آنها مواجه بودند. آنها نشان می‌دهند که به چه میزان کار تبدیل

عدم قطعیت‌ها به ریسک پیچیده است و چگونه برخی از ریسک‌ها، نقش ابزارهای مدیریت ریسک را ایفا می‌کنند و برخی دیگر چنین نقشی را برعهده نمی‌گیرند. ابزار ثبت شده و مکتوب به کمک توان تصویری خود ابتکار عمل را به دست می‌گیرند و این مسئله در شکل‌گیری و همچنین نابود کردن (تحریف) دیدگاه‌ها و مفاهیم ریسک نقش دارد.

در نهایت باید به مقاله‌ای از جُردن و همکاران (۲۰۱۸) برای درک بیشتر نقش‌گذاری اشاره کرد؛ در این مقاله بررسی می‌شود که چگونه ماتریس‌های ریسک به عنوان یک قالب (نمونه) کار می‌کنند و عملکردی فراتر از ایده ارزیابی دقیق برای ایجاد روابط میان گفتگویی در بین استفاده‌کنندگان دارند. نویسندگان این مقاله نشان دادند که چگونه توان تصویری ابزار ثبت شده و مکتوب، می‌تواند هم کنترل‌کننده و هم توانمندساز عمل نماید. نقش‌گذاری‌ها، میان توجیحات (عقلانیت‌های) برنامه‌ریزی شده و قوانین محلی به شیوه‌ای ارتباط برقرار می‌کنند که همواره نیازمند قضاوت و به طرز خوش‌بینانه‌ای نیازمند عقل و خرد هستند. خردی که حسابداری را همواره از طریق ابزارهای معقول جستجو می‌کنند؛ در واقع ابزارهایی که نسبت‌ها یا تناسب‌ها را به عنوان خرد ایجاد می‌کنند (کای، ۲۰۱۴؛ کواترون و پویو، ۲۰۱۸)، حاصل میانه‌روی هستند که در اثر حفظ وضعیت توازن و بی‌تفاوتی ایجاد شده است.

علی‌رغم وجود برخی از یافته‌ها در بخش‌های پیشین، می‌توان استدلال نمود که مطالعات انتقادی حسابداری هنوز غالباً از جایگاهی منفی برخوردار هستند و مناسب رویکرد عملکردی نیستند (رولینو و موریتسن، ۲۰۱۵؛ وُسلمن، ۲۰۱۴؛ سَادر و اسپلند، ۲۰۰۹؛ میلر و اُلیاری، ۲۰۰۷). این مسئله فراتر از مرزهای عملکردی است و نمی‌تواند به عملکرد تبدیل شود. در راستای مطالعات بررسی شده، چند سوال اساسی مطرح است.

اول آنکه اگر نقش‌گذاری‌های حسابداری، توصیف جامعی از دنیای سازمانی نباشند و اگر موفق به بازنمایی تصمیمات و وعده‌ها در مورد گفتگومان‌های سازمانی فعلی نشوند، آیا حسابداری می‌تواند به شیوه‌ای بیان شود که بدون ایجاد نگرانی‌های انتقادی، راهکارهایی کاربردی و توانمندساز را ایجاد کند؟ ثانیاً، اگر مشخص شده است که مطالعات حسابداری، گامی فراتر از مثبت‌گرایی و کارکردگرایی نهاده‌اند: این پرسش مطرح است که آیا این مطالعات می‌توانند در مورد مثبت‌گرایی قطعیت داشته باشند؟ و در نهایت اگر چنین باشد، آیا روشی وجود دارد تا بتوان در مورد حسابداری به گونه‌ای نظریه‌پردازی کرد که با نقص و کامل نبودن آن شروع شود

و به مباحث واهی پرداخته شود که حسابداری ناچار به گفتن آنها است؟ آیا روشی وجود دارد که در آن، حسابداری در مورد نارسایی‌ها و نقص‌های خود صادق باشد؟ اگر چنین است، چه نوع سیستم‌های حسابداری را می‌توان طراحی کرد که در ابتدا باور مثبت‌گرا به واقعیت را رد کنند و نقص، فقدان و جانب‌داری حسابداری را تأیید کنند (کوآترون، ۲۰۱۷).

مقاله حاضر این پرسش‌ها را مطرح می‌نماید تا فضا را برای سایر موضوعات مطرح‌شده در این خصوص آماده کند. هدف تمام آنها نشان دادن نقش عملکردی است که نقش‌گذاری‌های حسابداری در گفتمان‌های سازمانی و مفاهیم گردآوری‌شده‌ی آنها ایفا می‌کنند، زیرا حسابداری و گزارشگری با وعده‌هایی سروکار دارند که گفتمان‌ها و مفاهیمی را برای ذینفعان و جامعه به همراه دارند. اگرچه این وعده‌ها اغلب مبهم هستند، اما امیدها و باورهایی را برای مقابله با محیط پیچیده و غیرقطعی که در آن، این گفتمان‌های سازمانی مطرح می‌شود، پرورش می‌دهند.

نقش‌گذاری حسابداری و نوآوری

از مباحث عنوان‌شده در خصوص توان نقش‌گذاری حسابداری، اجرای نوآوری‌ها و کاهش بی‌نظمی و آشوب است که در این خصوص محققان بسیاری اظهارنظر نموده‌اند که پیش‌تر مطرح گردید. یکی از مطالب ارائه‌شده را می‌توان در مقاله باسکو و کوآترون (۲۰۱۵) مشاهده نمود. در مقاله مورد اشاره، بینش‌هایی در خصوص نقش‌گذاری‌های حسابداری ارائه گردید و این مسئله عنوان شد که پرداختن به نقش‌گذاری‌های حسابداری می‌تواند در جهت بررسی چگونگی و چرایی فرآیندهای نوآورانه پایدار و ایجاد ارزش، مفید واقع گردد. ساختار دوگانه حسابداری که همانا از طرفی توان سازنده آن و از طرف دیگر نقص‌بازنمایی آن در جامعه است، نیز مجدداً مورد تأکید محققان مورد اشاره، قرار گرفت. ابزار نقش‌گذار و ثبت‌شده حسابداری که به خلق نوآوری و ایجاد ارزش ختم می‌شوند به مواردی همچون بودجه موقت، کارت هزینه و کارت ارزیابی متوازن، نسبت داده شده است. موضوع توان سازنده حسابداری بواسطه نقش‌گذاری‌ها که توسط بسیاری از محققان مطرح گردیده است، توسعه راهکارهای مدیریت عملکرد را به ارمغان آورده و از این طریق، میان منافع متعدد اقتصادی، اجتماعی و سازمانی، میانجی‌گری می‌کند. از سوی دیگر، این موضوع موجب تسهیل کنترل و راهبری سازمان و کمک به حل مسئله تضاد منافع از طریق ایفای نقش در تنظیم قراردادهای بهینه بین

طرفین خواهد شد. بنابراین، در این راستا می‌توان ارتباط مسائل مورد اشاره را به شکل زیر ترسیم نمود.



شکل (۲): روند اثرات نقش‌گذاری حسابداری در کاهش بی‌نظمی و آشوب

نتیجه‌گیری

درک نقش‌گذاری حسابداری و کارکرد آن مهم است و کمتر به آن پرداخته شده است. حسابداری هم می‌تواند نظم‌دهنده و توانمندساز باشد و برای رفتاری حساب شده، چارچوبی فراهم سازد و هم می‌تواند اصلاحات و منازعات حساب شده‌ای را ایجاد کند. این دوگانگی تا حد زیادی به ابزارها، اسناد و نشانه‌ها وابسته است که به حسابداری موجودیت می‌بخشد. نقش‌گذاری حسابداری، پیچیدگی‌ها را کاهش می‌دهد و از طریق استانداردسازی به از بین رفتن آشوب و ایجاد نظم و ثبات کمک می‌کند.

اظهارات محققان نیز بیانگر آن است که در نظر گرفتن حسابداری به عنوان یک فعالیت، باعث خواهد شد تا این حرفه با استفاده از ابزارهای مختلف از جمله کُتب، صورت‌حساب‌ها، گزارشات، جداول، شاخص‌ها، ماتریس‌های ریسک و ...، مملو از نقش‌گذاری و ابزارهای آن باشد؛ نقشی که می‌تواند بر مدیریت سازمان‌ها، جامعه و ذینفعان اثرگذار باشد.

البته توجه به دوگانگی حسابداری به عنوان ابزاری برای بازنمایی و سازه‌ای برای واقعیت، به حسابداری امکان ظهور و گسترش می‌دهد و با ایجاد فضایی برای گمانه‌زنی و میانجی‌گری، امکان ایجاد تفسیرهای چندگانه فراهم می‌شود. حسابداری باید بتواند از طریق نقش‌گذاری، بواسطه گزارش‌ها و صورت‌حساب‌ها، روابط زمانی و مکانی بین عاملان اجتماعی را توضیح دهد.

جنبه مهم دیگری که در این مقاله مورد توجه قرار گرفته، بازطراحی رویه‌های حسابداری به گونه‌ای است که در اجرای نوآوری‌های مدیریتی، اشکال مختلف توانمندسازی، توسعه راهکارهای مدیریت عملکرد و میانجی‌گری منافع متعدد اقتصادی، اجتماعی و سازمانی، نقشی فعال داشته باشند. پژوهش حاضر تلاش نمود تا فضایی را جهت بازتاب پیامدهای حرکت (تغییر) حرفه حسابداری به‌عنوان یک حرفه نقش‌گذار برای رویکردهای انتقادی و بین‌رشته‌ای به مطالعات حسابداری فراهم نماید. همچنین، این مقاله پرسش‌های جدیدی را در خصوص مطالعات حسابداری مطرح نمود که نیاز به تحقیقات بیشتری داشته و می‌تواند مبنایی برای پژوهش‌های آتی در این زمینه باشد.

پی‌نوشت

- | | | | | |
|---|--|---|----|------------------------|
| ۱ | Accounting | این مقاله برداشتی است از مقاله باسکو و کوآترون (۲۰۱۸) با موضوع Accounting Inscriptions و از منابع مرتبط نیز استفاده شده است. | ۹ | Biopolitics |
| ۲ | Inscription | (این واژه در علوم باستان‌شناسی و معماری به معنای کتیبه و سنگ نوشته است و طی تحقیقات بعمل آمده، در حیطه حسابداری می‌توان از آن با عنوان نقش‌گذاری، نشانه-گذاری، اثرگذاری، ثبت و مکتوب نمودن یاد کرد؛ البته باید خاطر نشان کرد که تحقیقاتی با عنوان کتیبه‌های حسابداری نیز انجام شده که در آنها نوشته‌های حکاکی شده بر روی کتیبه‌ها از لحاظ رویه‌های حسابداری مرسوم در قرن‌های گذشته، مورد بررسی قرار گرفته است). | ۱۰ | Neo-liberal ideologies |
| ۳ | Referential chains | | ۱۱ | Emancipatory |
| ۴ | Actor-Network theory | | ۱۲ | Inscribe |
| ۵ | Non-positivist (e.g. the constructivist) | | ۱۳ | Substance |
| ۶ | Dominate | | ۱۴ | Ritually |
| ۷ | Marginalize | | ۱۵ | Intellectually |
| ۸ | Engages | | | |

منابع

- Ahrens, T. A., & Chapman, C. S. (2004). Accounting for flexibility and efficiency: A field study of management control systems in a restaurant chain. *Contemporary Accounting Research*, 21(2), 271–301.
- Akrich, M., & Latour, B. (1992). A summary of a convenient vocabulary for the semiotics of human and nonhuman assemblies.
- Andon, P., Baxter, J., & Chua, W. F. (2003). Management accounting inscriptions and the post-industrial experience of organizational control.

- Banitalebi Dehkordi1, B., Rahnamay Roodposhti, F., Nikomaram, H., & Talebnia, Gh. (2015). Explaining Actor Network Theory in Accounting from the perspective of knowledge. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 4(16), 119-130. (In Persian)
- Burchell, S., Clubb, C., Hopwood, A., Hughes, S., & Nahapiet, J. (1980). The roles of accounting in organizations and society. *Accounting, Organizations and Society*, 5(1) 5–27.
- Busco, C., Granà, F., & Quattrone, P. (2017). Integrated Thinking: Aligning purpose and the business model to market opportunities and sustainable performance.
- Busco, C., & Quattrone, P. (2015). Exploring how the balanced scorecard engages and unfolds: Articulating the visual power of accounting inscriptions. *Contemporary Accounting Research*, 32(3), 1236–1262.
- Busco, C., & Quattrone, P. (2015b). Sustaining innovation and the search for value creation: accounting, inscriptions and the mediation of ‘in-tensions’. In Manchester Business School, *Accounting and Finance Seminar* (p. 31).
- Busco, C., & Quattrone, P. (2017). In Search of the “Perfect One”: How accounting as a maieutic machine sustains inventions through generative ‘in-tensions’. *Management Accounting Research*, 39, 1-16.
- Busco, C., & Quattrone, P. (2018). Performing business and social innovation through accounting inscriptions: An introduction. *Accounting, Organizations and Society*, 67, 15–19.
- Chapman, C. S. (1998). Accountants in organisational networks. *Accounting, Organizations and Society*, 23(8), 737–766.
- Chapman, C. S. (Ed.). (2005). *Controlling Strategy: Management, Accounting, and Performance Measurement: Management, Accounting, and Performance Measurement*. OUP Oxford.
- Chua, W. F. (1995). Experts, networks and inscriptions in the fabrication of accounting images: A story of the representation of three public hospitals. *Accounting, Organizations and Society*, 20(2), 111–145.
- Chua, W. F. (2007). Accounting, measuring, reporting and strategizing – Re-using verbs: A review essay. *Accounting, Organizations and Society*, 32(4–5), 487–494.
- Cooper, C., Graham, C., & Himick, D. (2016). Social impact bonds: The securitization of the homeless. *Accounting, Organizations and Society*, 55, 63–82.
- Corvellec, H., Ek, R., Zapata, P., & Campos, M. J. Z. (2018). Acting on distances: A topology of accounting inscriptions. *Accounting, Organizations and Society*, 67, 56-65.
- Dambrin, C., & Robson, K. (2011). Tracing performance in the pharmaceutical industry: Ambivalence, opacity and the performativity of flawed measures. *Accounting, Organizations and Society*, 36(7), 428–455.
- ECO, U. (1973). *Segno*, Isedi, Milan; nouvelle édition:(1980), Arnoldo Mondadori, Milan; traduction fr.(1988). *Le Signe. Histoire et analyse d’un concept*.
- Fabbri, P. (1998). *La svolta semiotica*. Bari: Laterza.

- Gallhofer, S., & Haslam, J. (2019). Some reflections on the construct of emancipatory accounting: Shifting meaning and the possibilities of a new pragmatism. *Critical Perspectives on Accounting*, 63, 101975.
- Gendron, Y., Cooper, D. J., & Townley, B. (2007). The construction of auditing expertise in measuring government performance. *Accounting, Organizations and Society*, 32(1-2), 101-129.
- Ginzburg, C. (1979). Clues: Roots of a scientific paradigm. *Theory and Society*, 7(3), 273-288.
- Hall, M. (2010). Accounting information and managerial work. *Accounting, Organizations and Society*, 35, 301-315.
- Jordan, S., & Messner, M. (2012). Enabling control and the problem of incomplete performance indicators. *Accounting, Organizations and Society*, 37, 544-564.
- Jordan, S., Mitterhofer, H., & Jørgensen, L. (2013). Performing risk and the project: Risk maps as mediating instruments. *Management Accounting Research*, 24(2), 156-174.
- Jordan, S., Mitterhofer, H., & Jørgensen, L. (2018). The interdiscursive appeal of risk matrices: Collective symbols, flexibility normalism and the interplay of 'risk' and 'uncertainty'. *Accounting, Organizations and Society*, 67, 34-55.
- Jørgensen, B., & Messner, M. (2010). Accounting and strategising: A case study from new product development. *Accounting, Organizations and Society*, 35(2), 184-204.
- Justesen, L., & Mouritsen, J. (2011). Effects of actor-network theory in accounting research. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 24(2), 161-193.
- Kaye, J. (2014). *A history of balance, 1250-1375: The emergence of a new model of equilibrium and its impact on thought*. Cambridge University Press.
- Knorr-Cetina, K. D. (2001). Objectual practice (pp. 175-188).
- Latour, B. (1987). *Science in action: How to follow scientists and engineers through society*. Harvard university press.
- Latour, B. (1991). *Technology is society made durable in Law J ed A sociology of monsters: essays on power, technology and domination* Routledge.
- Latour, B. (1994). On technical mediation - philosophy, sociology, genealogy. *Common Knowledge*, 3(2), 29-64.
- Latour, B. (1997). Trains of thought; piaget, formalism and the fifth dimension. *Common Knowledge*, 3(6), 170-191.
- Latour, B. (1999). Give me a laboratory and I will raise the world. In M. Biagioli (Ed.). *The science studies reader*. New York: Routledge.
- Latour, B. (2013). *An Inquiry into modes of existence*. Cambridge: Harvard University Press.
- Latour, B., & Fabbri, P. (1977). La rhétorique de la science. Pouvoir et devoir dans un article de science exacte. *Actes de la recherche en sciences sociales*, 13, 81-95.
- Latour, B., & Woolgar, S. (1979). *Laboratory Life: The construction of scientific facts*. Princeton University Press.
- Law, J., & Hassard, J. (Eds.). (1999). *Actor network theories and after*.
- March, J. C. (1987). Ambiguity and accounting: The elusive link between information and decision making. *Accounting, Organizations and Society*, 12(2), 153-168.

- Messner, M. (2009). The limits of accountability. *Accounting, Organizations and Society*, 34(8), 918–938.
- Miller, P. (1991). Accounting innovation beyond the enterprise: Problematizing investment decisions and programming economic growth in the UK in the 1960s. *Accounting, Organizations and Society*, 16(8), 733–762.
- Miller, P., & O'Leary, T. (2007). Mediating instruments and making markets: Capital budgeting, science and the economy. *Accounting, Organizations and Society*, 32, 701–734.
- Millo, Y., & MacKenzie, D. (2009). The usefulness of inaccurate models: Financial risk management “in the wild”. *Journal of risk model validation*, 3(1), 23–49.
- Mouritsen, J. (1999). The flexible firm: Strategies for a subcontractor's management control. *Accounting, Organizations and Society*, 24(1), 31–55.
- Mouritsen, J., & Dechow, N. (2001). Technologies of managing and the mobilization of paths. In *Path dependence and creation* (pp. 355-380). Lawrence Erlbaum Associates.
- Mouritsen, J., & Kreiner, K. (2016). Accounting, decisions and promises. *Accounting, Organizations and Society*, 49, 21–31.
- Ouchi, W. O. (1979). A conceptual framework for the design of organizational control mechanisms. *Management Science*, 25(9), 833–848.
- Preston, A., Cooper, D., & Coombs, R. W. (1992). Fabricating budgets: A study of the production of management budgeting in the national health service. *Accounting, Organizations and Society*, 17(6), 561–593.
- Quattrone, P. (2009). Books to be practiced: Memory, the power of the visual, and the success of accounting. *Accounting, Organizations and Society*, 34(1), 85–118.
- Quattrone, P. (2015). Governing social orders, unfolding rationality, and jesuit accounting practices: A procedural approach to institutional logics. *Administrative Science Quarterly*, 60(3), 411–445.
- Quattrone, P. (2017). Embracing ambiguity in management controls and decision-making processes: On how to design data visualizations to prompt judgment. *Accounting and Business Research*, 47(5), 588–612.
- Quattrone, P., & Hopper, T. (2005). A ‘time-space odyssey’: Management control systems in two multinational organisations. *Accounting, Organizations and Society*, 30(7–8), 735–764.
- Quattrone, P., & Puyou, F. R. (2018). The visual and material dimensions of legitimacy: Accounting and the search for socie-ties. *Organization Studies*, 39(5-6), 721-746.
- Qu, S. Q., & Cooper, D. J. (2011). The role of inscriptions in producing a balanced scorecard. *Accounting, Organizations and Society*, 36(6), 344–362.
- Revellino, S., & Mouritsen, J. (2015). Accounting as an engine: The performativity of calculative practices and the dynamics of innovation. *Management Accounting Research*, 28, 31–49.
- Roberts, J. (1991). The possibilities of accountability. *Accounting, Organizations and Society*, 16(4), 355–368.
- Robson, K. (1991). On the arenas of accounting change: The process of translation. *Accounting, Organizations and Society*, 16(5–6), 547–570.

- Robson, K. (1992). Accounting numbers as 'inscription': Action at a distance and the development of accounting. *Accounting, Organizations and Society*, 17, 685-708.
- Robson, K., & Bottausci, C. (2018). The sociology of translation and accounting inscriptions: Reflections on Latour and Accounting Research. *Critical Perspectives on Accounting*, 54, 60-75.
- Sauder, M., & Espeland, W. N. (2009). The discipline of rankings: Tight coupling and organizational change. *American Sociological Review*, 74(1), 63-82.
- Simons, R. (1994). *Levers of control: How managers use innovative control systems to drive strategic renewal*. Harvard Business Press.
- Thomsen, T. N., & Skærbæk, P. (2018). The performativity of risk management frameworks and technologies: The translation of uncertainties into pure and impure risks. *Accounting, Organizations and Society*, 67, 20-33.
- Thompson, G. (1998). Encountering economics and Accounting: Some skirmishes and engagements. *Accounting, Organizations and Society*, 23(5-6), 283-323.
- Vaivio, J. (1999). Exploring a 'Non-Financial' management accounting change. *Management Accounting Research*, 10(4), 409-437.
- Vosselman, E. (2014). The 'performativity thesis' and its critics: Towards a relational ontology of management accounting. *Accounting and Business Research*, 44(2), 181-203.
- Wickramasinghe, D., & Alawattage, Ch. (2007). *Management Accounting Change: Approaches and Perspectives*. Translate to Persian, Hejazi et al. (2017). Tehran, Termeh Publication. (In Persian)
- Wouters, M., & Wilderom, C. (2008). Developing performance measurement systems as enabling formalization: A longitudinal field study of a logistics department. *Accounting, Organizations and Society*, 33(4-5), 488-515.